



روز جهانی نرم افزارهای متن باز در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. دکتر علیرضا زمانی، کارشناس خلاقیّت و ایده‌پردازی سه‌شنبه ۱۸ آذر با حضور در برنامه روز خوش در رابطه با اندیشه طراحی و سبک زندگی گفت‌وگو می‌کند. هومن بالازاده، مهندس معمار به موضوع معماری معاصر ایران می‌پردازد. / جام‌جم دیلی

يك «روز خوش» با حكايت‌ها و مثل‌های ایرانی

برنامه «روز خوش» شبکه جام‌جم دوشنبه و سه‌شنبه ۱۷ و ۱۸ آذر با سری به میدان تجریش، آموزش يك «خوشمزه»، بررسی حكايت‌ها و مثل‌های ایرانی و بررسی سبك زندگی؛ همراه مخاطبان شبکه جام‌جم سيما خواهد بود.

دکترسید هادی معتمدی، روانپزشك و آسیب‌شناس اجتماعی دوشنبه ۱۷ آذر



عکس: جاووش همایونی-جام‌جم

سریال خانه‌امن در تحریریه جام‌جم

خانه امن

پرداخت به چنین موضوعی برای مخاطبان هم تازگی دارد و هم این‌که تماشای این سریال فقط سرگرم‌شان نمی‌کند و آنها به‌واسطه این اثر می‌توانند به اطلاعات‌شان بیفزایند. در واقع این سریال از ناگفته‌هایی می‌گوید که تا امروز گفته نشده‌است و به همین دلیل برای مردم جالب است.

حالا این مجموعه امنیتی جاسوسی که این روزها میزبان مردم

است ما را بر آن داشت تا در ارتباط با سریال به گپ و گفت با عوامل بنشینیم. به همین دلیل میزبان احمد معظمی کارگردان، امین زندگانی، قربان نجفی، سپیده خداوردی، علی جلالی، روژین رحیمی و ارسطو خوشرم بازگران سریال شدیم و با آنها، نظرات مردم و منتقدان را در میان گذاشتیم که در ادامه می‌بینید و خوانند آن خالی از لطف نیست.

کلوزآپ سرقفلی ندارد

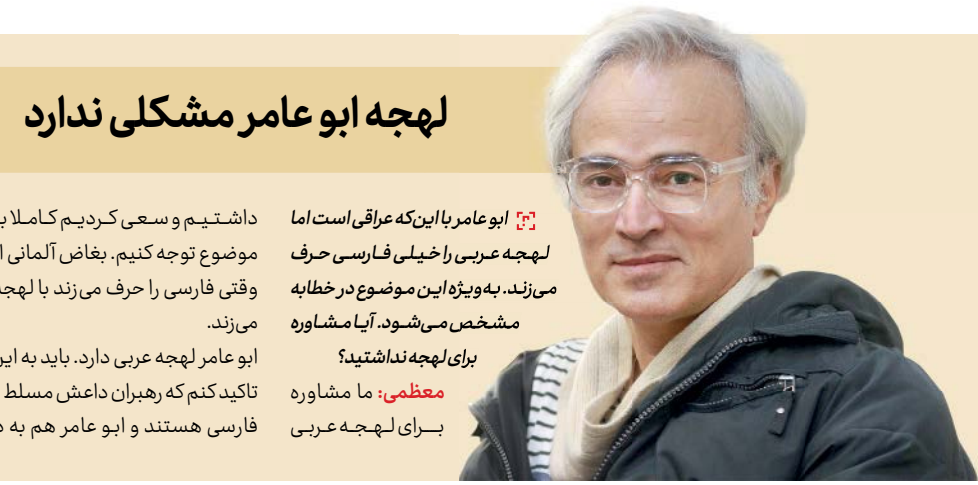
آقای جلالی شما در این سریال نقش یک داعشی را بازی می‌کنید که تردیدهای خودش را دارد که اتفاقا درست بازی کردید. قبل از ایفای نقش آیا خودتان فیلمی از داعشی‌ها دیده بودید؟

جلالی: به‌صورت کلی دیده بودم اما دلش را نداشتم که کامل ببینم. من چند سال است احمد معظمی را می‌شناسم. هیچ‌وقت در کار به بازیگر نمی‌گوید چه‌کاری انجام بدهد، بلکه صبر می‌کند تا بازیگر نقشش را اجرا کند و بعد در جاهایی که لازم باشد می‌گوید چه‌کاری را انجام ندهد.

این ویژگی معظمی است و قبل از اجرای نقش سعید من و او ساعت‌ها باهم گپ زدیم و مردم‌بودن سعید در قصه هم محصول کنترل‌های احمد معظمی بود که در بخش‌هایی از کار به من می‌گفت نگاه چشمم زیاد است یا کم و من با فرمان او جلو می‌رفتم.

از قبل خودتان روی نقش تمرین کرده بودید تا سعید را برای مخاطب باورپذیر کنید یا این‌که در صحنه با مشورت احمد معظمی نقش را در می‌آوردید؟

جلالی: نه، تمرین می‌کردم و هنگام اجرا هم بافرمان آقای معظمی جلو می‌رفتم. اما باید تأکید کنم او بسیار تعامل خوبی با بازیگر دارد. قبل از آن‌که نقش سعید را بپذیرم خیلی تردید داشتم، اما بعد از صحبت با آقای معظمی برطرف شد و متوجه شدم که سعید ایرانی است و به‌واسطه اعتمادی که به کارگردان داشتم، قبول کردم و از نتیجه کار خیلی راضی هستم. علاوه بر آن ما سعید را همراه با چالش‌هایی می‌بینیم که همین شخصیتش را برایم جذاب‌تر می‌کرد.



آیو عامر با این‌که عراقی است اما لهجه عربی را خیلی فارسی حرف می‌زند. به‌ویژه این موضوع در خطابه مشخص می‌شود. آیا مشاوره برای لهجه نداشتید؟

معظمی: ما مشاوره برای لهجه عربی

لهجه ابو عامر مشکلی ندارد

داشتیم و سعی کردیم کاملاً به این موضوع توجه کنیم. بغض آلمانی است و وقتی فارسی را حرف می‌زند با لهجه حرف می‌زند.

ابو عامر لهجه عربی دارد. باید به این نکته تأکید کنم که ربهبران داعش مسلط به زبان فارسی هستند و ابو عامر هم به درستی

در برنامه روز خوش درباره موضوع محدودیت و سبک زندگی گفت‌وگو می‌کند. در بخشی دیگر دکتر حامد ایرانشاهی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر تاریخ در ادامه بررسی تهران قدیم سری به تجریش زده و از تاریخچه این منطقه سخن می‌گوید.

خوشمزه دوشنبه کاپ گوشت و پنیر را آموزش می‌دهد، همچنین اطلاعاتی درباره

تغییر ماموران امنیتی نسبت به ۲ دهه قبل

معمولا مردم عادی این تصور را دارند که ماموران امنیتی خشن و مقتدر هستند اما در این سریال شما در نقش یک مامور امنیتی به این شکل رفتار نمی‌کنید. برای رسیدن به نقش چقدر گپ و گفت با کارگردان داشتید؟

زندگانی: زمانی که بازی در سریال خانه‌امن به من پیشنهاد شد، فیلمنامه کامل نوشته نشده بود و هفت تا هشت قسمت آماده بود. به هر حال از جایی به بعد یک گفت‌وگوی پنج تا ۱۵ دقیقه‌ای کارگردان با بازیگر باعث می‌شود نقش روشن شود و نیازی به دیالوگ‌های بیشتر نیست. اهمیت دارد که موقعیت را درک کرده و درست رفتار کنیم. باید قبول کرد که سیستم امنیتی مثل دو دهه قبل نیست و زندگی‌هایشان تغییر کرده‌است. وقتی با معظمی صحبت می‌کردیم به دنبال ایجاد تفاوتی در افشین بودیم که رفتارهایش از یک نسل قدیم‌تر از افشین و یک نسل جلوتر از کمال باشد. به همین دلیل وقتی ترور خاوری مطرح می‌شود این دیالوگ را می‌شنوید که افشین می‌گوید ای کاش در هر سازمان هر کس خودش پرونده را انتخاب می‌کرد و آن وقت سراغ تروریست‌های اقتصادی می‌رفتم. این نسل جدید تفکرشان فرق می‌کرده‌است. همچنین باید به کل‌کل‌های میان کمال و افشین اشاره کنم که خطاب به همدیگر می‌گویند که تو چرا کارهای ساده را انتخاب کردی و آن یکی می‌گوید چرا عملیات می‌روی و... در ابتدا نویسنده نگران این صحنه و کل‌کل‌های این دو نفر بود، اما با جسارت کارگردان این صحنه را قرار دادیم که اتفاقاً خیلی هم خوب شد. در مجموع باید تأکید کنم که نسل جدید ماموران امنیتی قابل لمس هستند و باید از من بازیگر بیشتر بازی بلد باشند تا در موقعیت‌های متفاوت تغییر رفتار بدهند. به همین دلیل در صحنه‌هایی می‌بینیم که افشین با پیام تند حرف می‌زند و در برخی صحنه‌ها آرام حرف می‌زند. به هر حال مامور امنیتی باید کنترل روانی مجرمی که حالا مامور نفوذی شده را در دست داشته باشد.

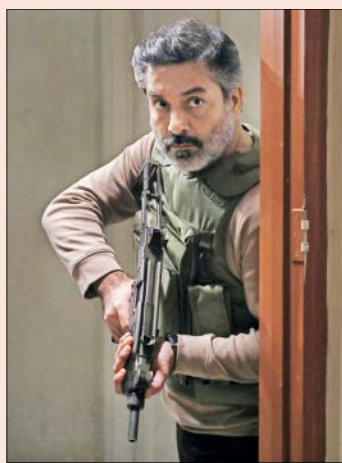
معظمی: اتفاقاً سریال در کانادا، آمریکا و آلمان پیننده دارد و به‌شدت دنبال می‌شود. من باید از ابوالفضل صفری، تهیه‌کننده تشکر کنم که به‌شدت حامی کار بود و جدا از برآورد واقعی سریال از جیب هزینه کرد تا این سریال پرمخاطب را بسازد. همکاری مدیران سیمافilm واقعا با پروژه ما عالی بود و نهایت همکاری را داشتند. در تدوین هم خیلی حواس‌شان بود. در مجموع از تهیه‌کننده، مدیران سیمافilm، پخش و... تشکر می‌کنم که با به پای ما کار کردند.

دختر قاضی؛ اما امروزی

فرشته ابتدای سریال به عنوان یک دختر سرحال امروزی دیده می‌شود که بسیار هم شخصیت مستقلی دارد و این استقلال نه تنها به رفتارهایش ختم نمی‌شود (چون هر جاکه لازم است مخالفت می‌کند) بلکه به لحاظ پوشش هم مثل کلیشه‌های رایج نیست. از سوی دیگر، وقتی گروهان گرفته می‌شود حتی بعد از آزادی تبدیل به دختری مستاصل می‌شود. مسلمانا این بازی دوپهلو کار شما را به عنوان بازیگر سخت می‌کرد. در این باره تا چه میزان با آقای معظمی صحبت کردید تا نقش تان را ایفا کنید؟

رحیمی: راستش وقتی نقش فرشته به من پیشنهاد شد، خیلی خوشحال شدم که قرار است نقشی بازی کنم که از کلیشه‌های رایج امروزی فاصله دارد. فرشته دختر قاضی و امروزی است. او هم مثل بقیه دختران امروزی نقاط مثبت و کاستی‌هایی دارد. معمولاً در کلیشه‌ها، دخترهایی مثل فرشته سر به زیر هستند، اما فرشته سریال خانه‌امن این‌طور نیست. هر جاکه لازم باشد در کمال ادب و احترام با پدر، مادر و عمو کمال مخالفت می‌کند. صرفاً پوشش بگو نیست. شما به نکته بیزی اشاره کردید و این‌که فرشته به لحاظ پوشش به‌رغم شغل پدرش متفاوت است و این نشان می‌دهد برآمده از خانواده تحصیلکرده و مستقل است. روزهای ابتدایی پخش کامنت‌هایی در فضای مجازی داشتم که می‌گفتند چرا فرشته جاهایی مخالفت با پدر و مادرش می‌کند. من از خواندن این پیام‌ها لذت می‌بردم، زیرا می‌دیدم با کم‌ک آقای معظمی کلیشه‌ها را شکسته‌ایم. فرشته کاملاً باورپذیر است، چون واقعی است و در عین محکم بودن بعد از گروگانگیری و آزاد شدن مستاصل می‌شود، مثل هر آدم طبیعی دیگر. دلیل شکنندگی فرشته این است که در خانواده تک فرزند است و همیشه مورد توجه خانواده بوده اما خانواده او را مستقل هم

بار آوردند یا در صحنه‌ای می‌بینیم وقتی کمال بدون توضیح او محسن را از مسیر فرودگاه برمی‌گرداند با پدرش تماس می‌گیرد و توضیح می‌دهد که چرا عموکمال این کار را انجام داده‌است. در مجموع از این‌که فرشته را برای کردم خیلی خوشحالم و کمک‌های بی‌دریغ آقای معظمی در خلق نقش بسیار تأثیرگذار بود. ضمن این‌که صحنه‌هایی هم داشتیم که با چالش همراه بود و کمک‌های کارگردان باعث شد از پس آن برپیایم و از این اتفاق به‌شدت راضی هستم.



کمال از ماموران رده بالا است اما خیلی عادی برخورد می‌کند که پسرش به کانادا برود. یعنی این موضوع تا این میزان روال است که شما نشان دادید؟

معظمی: ممکن است در ظاهر کمال ساده برگزار کند اما از بلا دستی‌های خودش می‌خواهد استعلام کند و به محض این‌که متوجه می‌شود شرکت صوری است، نمی‌گذارد بچه‌ها به فرودگاه بروند. این اتفاق برای خیلی از کسانی که رتبه‌های بالای کنکور را کسب می‌کنند، رخ می‌دهد و بدون داشتن اطلاعات به خارج از ایران می‌روند و به دام این شرکت‌ها می‌افتند.

حمیدرضا پگاه همچون فیلم قلاذه‌های طلا نقش مامور امنیتی را دارد. البته در انتهای این فیلم مشخص شد این مدیر رده بالا جاسوس است با نقش سامان صفاری شبیه شخصیتی

است که در سریال دلدادگان بازی کرده‌است. این موارد برایتان حاشیه ایجاد نکرده‌است؟

معظمی: من فیلم قلاذه‌های طلا را ندیدم. درباره سامان صفاری هم باید بگویم که پنج تا شش قسمت سریال دلدادگان را دیدم اما باید گفت زائر خانه‌امن کاملاً با این سریال تفاوت داشت و پیام قصه جعل‌کننده حرفه‌ای بود که ماموران امنیتی او به عنوان نیروی نفوذی استفاده می‌کنند.

برای این سریال از لوکیشن ماجرای نیمروز استفاده کرده‌بودید؟

معظمی: بله، البته ما صحنه‌ها را دوخت و دوز کردیم (با خنده) و بخش‌هایی در تهران و بخش‌هایی در کرمانشاه ضبط شد.

سکانسی صداگذاری نشده‌است

برخی می‌گویند سکانسی که کمال با خبرنگار عربی صحبت می‌کند و او خطاب به کمال می‌گوید مراقب دانشمندان تان باشید، صداگذاری شده‌است یا این‌که برخی می‌گویند شما با پرداختن به جو بایدن می‌خواهید به مذاکرات آمریکا با ایران اشاره کنید.

معظمی: هیچ سکانسی صداگذاری نشده‌است. ضمن این‌که ما هشت ماه قبل کار را تمام کردیم که خبری از انتخابات آمریکا نبود.

آیا می‌خواهید خانه‌امن ۲ را بسازید؟

معظمی: به تصمیم تهیه‌کننده و تلویزیون بستگی دارد.

زندگانی: من از تیم کارگردانی و بازیگری تشکر دارم که اینقدر همه نقش‌هایشان را بی‌نظیر بازی کرده‌اند. خیلی دلم می‌خواهد در بقیه کارها این اتفاق بیفتد. ضمن این‌که در این کار رفاقت میان همکاران حاکم بود.

خداوردی: یکی از ویژگی‌های کارهای آقای معظمی این است که همیشه پر بازیگر هستند و همه چیز حرفه‌ای برگزار می‌شود.

جلالی: این مجموعه سرگروه درستی داشت. ضمن این‌که بازی آقایان پگاه و زندگانی که بار اصلی سریال را به عهده داشتند بسیار بی‌نظیر بود. این دوستان با توجه به تغییر فصل در سریال باید در تابستان لباس زمستانی می‌پوشیدند که بسیار سخت بود. در مجموع همه بازیگران سریال درجه یک و همه با اخلاق بودند و پشت صحنه فوق‌العاده‌ای داشتیم و همه این موارد باعث شده تماشاگران با این سریال حال خوب داشته‌باشند.

نجفی: معظمی کارگردانی است که به کارش بسیار مسط است و به‌خوبی بازی بازیگران را هرس می‌کند و شیوه بسیار درستی در کار دارد.

بازی ام سرد نیست، درونی است

در ابتدای سریال شاهد بازی سردی از شما هستیم اما از زمانی که فرشته درگیر گروگانگیری‌ها می‌شود شاهد تغییرات رفتاری از محسن هستیم. آیا این مساله تعمدی بود که در بازی رعایت کردید؟

خوشرم: این نظر شماست و برایم محترم. اما چنین نظری ندارم. اتفاقاً محسن در ابتدا شور و هیجان زیادی دارد، چون علاقه‌مند است هر چه زودتر به کانادا برود و رشد کند، اما بعد از اتفاقاتی که برای فرشته می‌افتد به درون خودش پناه می‌برد. آقای معظمی بهترین راهنمایی را سر صحنه می‌کند و بازیگر می‌تواند خودش را به او بسپارد، چون به بازیگر کمک می‌کند تا شکل متفاوت‌تری از بازی اش را ارائه بدهد. اتفاقاً در کارهای اخیرم که قبل از سریال خانه‌امن بود مثل خانواده دکتر ماهان و در میان خاکستر، نقش‌هایم برونگراتر بود و ترجیح می‌دادم نقشی بازی کنم که درونی‌تر باشد شاید به نظر شما بازی‌ام سرد باشد اما به نظرم درونی است.

ولی محسن در برخی مواقع بی‌خیال عمل می‌کند و همین ایجاد سوال برای مخاطب می‌شود.

خوشرم: زمانی که من سریال را شروع کردم به آقای معظمی گفتم بهتر است محسن نسبت به عملکرد پدرش کمی پرخاشگرتر باشد، چون شغل پدرش را نمی‌داند و ناگهان پدر در سخت‌ترین شرایط کنارشان نیست. اما نظر کارگردان و نویسنده سریال بر خلاف من بود و دلایل منطقی خودشان را داشتند. برای من هم کامنت‌هایی آمد که چرا محسن برخی مواقع بی‌خیال است و به همین دلیل خواسته بودم محسن

پرخاشگرت‌تر باشد و توجه‌پذیر نبودم، اما به نظر نویسنده و کارگردان احترام گذاشتم و حالا که سریال را می‌بینم از نتیجه کار راضی هستم و می‌بینم همین مدل درست است. تماشاگر عادت کرده همیشه چه‌پایی ببیند که دیده‌است، اما لازم نیست همیشه این‌طور باشیم و باید کلیشه‌ها را تغییر داد. برایتان مثالی می‌زنم: در فیلم پدرخوانده واکنش براندو بعد از مرگ عزیزترین پسرش عجیب و غریب و دور از توقع و انتظار میلیون‌ها بیننده‌است، اما این انتخاب براندو است. یا فریاد بی‌صدای آل پاچینو در پدرخوانده ۳، اوراکت‌ترین واکنش بود که مخاطب عادت نداشت.